



عنوان مقاله :

**آسیب های بازدارنده توسعه کشاورزی را بشناسیم
« ۳۰ چالش و آسیب بازدارنده توسعه کشاورزی »**

از : رحمان امامی

کارشناس ارشد و مدرس دانشگاه

تیرماه ۱۳۹۳

عنوان مقاله :

**آسیب های بازدارنده توسعه کشاورزی را بشناسیم .
((۳۰ چالش و آسیب بازدارنده توسعه کشاورزی))**

از : رحمان امامی

کارشناس ارشد و مدرس دانشگاه

مقدمه

در جهان امروز یکی از مهمترین و اساسی ترین بخش های اقتصادی در هر کشور مسئله امنیت غذایی و به تبع آن توجه خاص به بخش کشاورزی به عنوان منبع تولیدات متنوع غذایی است بطوریکه در حال حاضر کشورهایی که هم اکنون به عنوان کشورهای پیشرفته و توسعه یافته مطرح می باشند بزرگترین موفقیت آنها ، خود اتکایی کامل و در بسیاری جهات خود کفایی در تولیدات محصولات متنوع غذایی است که در این راه گام های مستحکمی برداشته اند. از آنجائیکه در سالهای اخیر میهن اسلامیمان به دلیل فشاری بر استقلال سیاسی و اقتصادی خود مورد تهاجم ناجوانمردانه کشورهای استکباری با سلاح تحریم های همه جانبه قرار گرفته است بنابراین برای مقابله با این حربه ، آنچه که بیش از پیش مورد ضرورت جامعه می باشد استفاده از قابلیت ها و توانمندی های درونی جامعه بخصوص بخش کشاورزی است که با کمترین ارزبری می توان علاوه بر ارزآوری فراوان برای کشور، موجبات رشد اشتغال و افزایش تولید مولد و همچنین خوداتکایی و خودکفایی را در تولید تمامی محصولات غذایی اساسی برای کشور به ارمغان آورد. بدون شک یکی از مهمترین شاخص های تحقق اقتصاد مقاومتی در تمامی ابعاد توجه خاص به توسعه بخش کشاورزی است و اولین گام در این زمینه شناخت عوامل آسیب زاد و بازدارنده توسعه بخش کشاورزی است تا با بر طرف نمودن این عوامل شاهد رونق و توسعه بیش از پیش

بخش کشاورزی در کشور باشیم، در راستای این مهم که به ۳۰ چالش و آسیب بازدارنده بر سر راه توسعه بخش کشاورزی این مقاله پرداخته می شود.

۱-بالا بودن سن کشاورزان :

یکی از عوامل اساسی به عنوان آسیب بازدارنده در روند توسعه بخش کشاورزی بالا بودن سن کشاورزان به عنوان فعالان اصلی در بخش کشاورزی است بطوریکه اکثر فعالان در این بخش و زیر بخش های مرتبط از جمله زراعت ،باغبانی ، دامپروری ، شیلات و آبزیان در سنین بالای ۶۰ سال قرار دارند که دلیل اصلی این مسئله آن است که مالکیت زمین زراعی و یا واحدهای تولیدی با افرادی است که در سنین بالا قرار دارند و این امر موجب می شود که اکثر این افراد به عنوان تنها تصمیم گیر واحدهای تولیدی از تحرک و پویایی لازم و در کنار آن خلاقیت و ابتکار و استقبال از روش های نوین و یافته های جدید برخوردار نباشند که در صورت تداوم این امر شاهد عقب ماندگی در افزایش تولید خواهیم بود.

۲-فقدان تحصیلات دانشگاهی در بین کشاورزان :

براساس آخرین آمارها بیش از ۹۰ درصد و حتی در برخی از آمارها ۹۵ درصد کشاورزان فعال در بخش کشاورزی فاقد تحصیلات دانشگاهی می باشند و این امر در حالی است درصد قابل توجهی از این افراد دارای سواد بسیار پایین و فاقد سواد خواندن و نوشتن می باشند که تمامی این موارد باعث آن خواهد شد فن آوری های نوین و دانش های جدید در افزایش تولید یا در بخش کشاورزی راهی نداشته باشد و یا آنکه به سختی مورد پذیرش قرار گیرد و یا آنکه اصلاً مورد پذیرش قرار نگیرد که در هر صورت به عنوان یک آسیب جدی در بخش کشاورزی مطرح خواهد بود

۳-خرد و پراکنده بودن اراضی کشاورزی :

خرد و پراکنده بودن اراضی زراعی که دامنه خرد شدن آن هم دنباله دار می باشد یکی دیگر از محدودیت ها و موانع اصلی در توسعه بخش کشاورزی است. کاهش مساحت واحدهای تولیدی

بخصوص در بخش های زراعی با توجه به آنکه بعد از فوت مالک واحد تولیدی در بین ورثه آن تقسیم می شود یکی از معضلات بخش کشاورزی است که متأسفانه برای توقف آن تا کنون راه حلی پیدا نشده است و متأسفانه این روند در بین نسل های مختلف ساری و جاری است و هر چه مساحت اراضی کشاورزی خرد شود به تبع آن تولید غیراقتصادی تر و همچنین مانور ماشین آلات کشاورزی کمتر، میانگین تولید محصول پایین تر و در نهایت بهره وری بسیار پایین و تبدیل آن به کاربری های غیر از کشاورزی میسر خواهد شد که این امر نابودی بخش تولید در بخش کشاورزی را به همراه خواهد داشت.

۴-عدم توسعه مکانیزاسیون :

عدم استفاده و جایگزینی ماشین های مدرن و پیشرفته در بخش کشاورزی یکی دیگر از عوامل آسیب زا و بازدارنده در بخش کشاورزی است که متأسفانه به دلیل آنکه تعداد بسیار کمی از کشاورزان به دلیل درآمد و توان اقتصادی بالا قادر به خریداری و استفاده از این ماشین ها می باشند بنابراین مکانیزاسیون نتوانسته است آنگونه باید در بخش کشاورزی توسعه یابد بسیاری متأسفانه توسعه مکانیزاسیون را به استفاده از تراکتور و کمباین در کاشت و برداشت محصولات تعریف کرده اند در صورتی ماشین های کشاورزی دائماً در حال تخصصی تر شدن می باشند و با توجه به اقتصادی کردن تولید، کاهش سختی کار تولید، افزایش بهره وری و کاهش هزینه های نقش تعیین کننده ای در تولید دارند. بالا بودن قیمت ماشین های کشاورزی رایج، عدم اعطاء تسهیلات کافی برای این بخش و پایین بودن درآمد کشاورزان خرده پا برای خرید و کاربرد ماشین آلات مدرن کشاورزی سبب شده تا مباحث مرتبط با توسعه مکانیزاسیون در بخش کشاورزی در ابتدای راه قرار داشته باشد.

۵-تغییر کاربری گسترده در اراضی زراعی و باغی :

تغییر کاربری اراضی کشاورزی به ویلاسازی و ساخت و سازهای مسکونی و تجاری و کاربری های صنعتی و گردشگری بخصوص در استانهایی که قطب کشاورزی کشور محسوب می شوند از دیگر

آسیب های رایج و عوامل بازدارنده در روند توسعه بخش کشاورزی محسوب می شوند که در سالهای اخیر موج و شدت فزاینده ای به خود گرفته است. وجود مواهب طبیعی از جمله جنگل و دشت و دریا و همچنین مناظر چشم نواز طبیعی در استانهای شمالی و از طرفی آلودگی های شدید هوا و جمعیت متراکم در مرکز کشور و فاصله نزدیک آن با شمال به یکباره قیمت زمین زراعی منطقه را به ارقام نجومی رسانده است که هر زمینداری را وسوسه کرده تا هر چه سریعتر آنها را به دلالت و واسطه های زمین خوار بفروشد و شغل و حرفه آبا و اجدادی اش را رها کرده و زندگی مصرفی جدید را برای خود دست پا نماید. تغییر گسترده کاربری اراضی زراعی و باغی آن قدر وسیع و همه جانبه در حال همه گیر شدن است که بسیاری براین نظر هستند که در صورت ادامه این روند زمینی برای کشاورزی در استانهای شمالی به عنوان قطب و مهد تولیدات کشاورزی کشور باقی نخواهد ماند.

۶- معیشتی بودن غالب تولید در بخش کشاورزی :

در حال حاضر غالب شیوه تولید در بخش کشاورزی به صورت معیشتی می باشد بطوریکه کشاورز تولید کننده با تولید در بخش کشاورزی و درآمد اکتسابی از آن فقط به فکر گذران زندگی خود در طول یکسال و دوباره سالی نو و روزی نو که این شیوه تولید که نشأت گرفته از مشکلات ساختاری بخش کشاورزی از جمله محدودیت شدید مساحت اراضی زراعی ، کوچک بودن واحد های تولید ، فقدان استفاده از نوآوری ، بالا بودن سن و دهها مشکل دیگر می باشد بصورت ناخواسته تولیدات در بخش کشاورزی را در دراز مدت به قهقرا خواهد برد و یک عامل بازدارنده ، آسیب زا در مسیر توسعه بخش کشاورزی می باشد چرا که شیوه تولیدی معیشتی در تضاد کامل با تولید تجاری قرار دارد و با شیوه تولید به صورت معیشتی هیچگاه نمی توان ارزش افزوده بالا و یا خود کفایی و صادرات در بخش کشاورزی را از آن انتظار داشت.

۷- در اولویت نبودن بخش کشاورزی در سیاست های کلان توسعه :

متأسفانه یکی دیگر از عوامل بازدارنده در مسیر توسعه بخش کشاورزی آن است که در سیاست های کلان توسعه کشور در برنامه های پنج ساله و برنامه های سالانه توجه جدی نمی شود و از اولویت لازم برخوردار نمی باشد در حالیکه هر گونه اولویت به بخش کشاورزی مهمترین بعد استقلال که همانا استقلال و امنیت غذایی است را برای کشور به دنبال خواهد داشت و علاوه بر آن کشور را از واردات گسترده محصولات غذایی بی نیاز کرده و موجبات اشتغال گسترده را در بخش های مختلف تولیدی در بخش کشاورزی و همچنین صنایع تبدیلی و تکمیلی مرتبط به آن را به دنبال خواهد داشت.

۸- بالا بودن هزینه های تولید در بخش کشاورزی در مقایسه با استانداردهای جهانی :

بالا بودن هزینه های تولید در بخش کشاورزی در کشور و از طرفی دیگر پایین بودن قیمت محصولات کشاورزی وارداتی سبب شده تا دولت ها از واردات محصولات کشاورزی خارجی به داخل استقبال نمایند در صورتیکه با این کار دو آسیب اساسی به بخش کشاورزی وارد می شود که اولین آسیب تخریب بسترهای تولید در دراز مدت و دومین آسیب هم جایگزینی نیازهای غذایی کشور با واردات محصولات خارجی می باشد که در هر دو صورت این کشاورز و تولید کننده محصولات کشاورزی و به تعبیری رساتر بخش کشاورزی است که دچار آسیب های جدی و در نهایت نابودی می شود. با توجه به موقعیت ، توانمندی و قابلیت های منحصر به فرد در کشور راه حل تامین نیازهای غذایی کشور به هیچ وجه واردات محصولات کشاورزی نیست بلکه آنچه در این بین دارای اهمیت است حمایت از تولید کنندگان و فعالان در تولید محصولات مختلف کشاورزی است تا تمامی نیازهای کشور از داخل و با قیمت مناسب فراهم شود.

۹- فقدان ارتباط جدی مراکز علمی ، آموزشی با کشاورزان:

برای پیشرفت ، رشد ، ارتقاء و یا هر عنوان دیگری که معنای توسعه در ابعاد کمی و کیفی را به دنبال دارد هیچ گریزی از علم ، فن آوری و یافته های نوین و استفاده از نوآوری نیست و نخواهد بود و کشاورزان به عنوان استفاده کنندگان اصلی از علم و مهارت تولید محصولات غذایی باید برای تأمین نیازهای غذایی ، خود را مجهز به علم روز در زمینه های مختلف تولیدی و متناسب با نیازهای مصرف کنندگان نمایند و هر چه این ارتباط جدی تر ، مستحکم تر و مداوم و مستمر باشد بدون شک شاهد شکوفایی و توسعه بخش کشاورزی در تمامی ابعاد خواهیم بود و اگر نه به صرف افزایش دانشگاهها ، دانشکده ها و آموزشکده های کشاورزی و حجم بالای فارغ التحصیلان کشاورزی در رشته های مختلف ره به جایی نخواهیم برد.

۱۰- شرایط سخت و دشوار اعطاء تسهیلات به بخش کشاورزی :

همانگونه که اشاره شد کشاورزان برای افزایش تولید و بازسازی بسترهای کار و فعالیت در این بخش در هر سال نیاز به دریافت تسهیلات بخصوص نقدینگی های لازم برای جبران بخشی از هزینه های فصلی را دارند اما این کمک های تسهیلاتی و اعتباری یا از سوی مراکز اعتباری و مالی و بخصوص بانکها صورت نمی گیرد و در صورت امکان ، شرایط آنقدر سخت و دشوار می باشد که عملاً کشاورز عطایش را به لقایش می بخشد و به ناچار برای حل مشکلات خود مجبور می شود یا محصولات خود را به اصطلاح کشاورزان سبز بفروشد و یا آنکه نقدینگی مورد نیاز خود را با چند برابر هزینه از دلالان و واسطه ها تهیه نماید که همه این موارد به عنوان آسیب های جدی و عوامل بازدارنده توسعه بخش کشاورزی محسوب می شوند.

۱۱- فراموشی تولیدکنندگان خرد و کم توجهی به تولید کنندگان کلان :

با توجه به وجود مشکلات ساختاری در بخش کشاورزی از جمله معیشتی بودن تولید، کوچک بودن واحدهای تولیدی و سرمایه گذاری بسیار کم در این بخش متأسفانه اکثر قریب به اتفاق تولید کنندگان در این بخش در سطح خرد و از خرد تا متوسط می باشند و این تولید کنندگان بخاطر درآمد اندک شان کمتر سرو کارشان با دستگاههای اجرایی خدمت رسان و حامی بخش کشاورزی و به تعبیری بهتر باید گفت تولید کنندگان خرد عملاً فراموش شده اند و توجه چندانی هم به تولید کنندگان کلان در این بخش نمی شود.

۱۲- فقدان کارشناسان بخش کشاورزی در نهادهای تصمیم گیری و تصمیم سازی:

لازمه اصلی و اساسی برای تصمیم گیری و تصمیم سازی درست و صحیح برای هر بخش وجود کارشناسان و صاحب نظران اصلی آن در مراجع تصمیم گیری است تا بتوان در برنامه های کلیدی سالانه و پنج ساله توسعه کشور از بخش کشاورزی به معنای واقعی کلمه دفاع کرد. در غیر این صورت به دلیل تخصصی بودن بخش کشاورزی و عدم توجه مسئولان و تصمیم گیران نسبت به اهمیت امنیت غذایی، سهم بخش کشاورزی از اعتبارات، امکانات و تسهیلات و بودجه های سالانه در مقایسه با سایر بخش ها ناچیز و به تبع آن امکان رشد سرمایه گذاری در این بخش هم کاهش چشم گیری خواهد یافت.

۱۳- عدم توجه جدی و اصولی به ترویج و آموزش کشاورزی :

بدون شک یکی از عوامل اصلی و اساسی در توسعه کشاورزی، ترویج و آموزش کشاورزی است بطوریکه از ترویج کشاورزی به عنوان زیربنای توسعه کشاورزی یاد می کنند و به دلیل اهمیت ترویج کشاورزی یکی از بخش های اصلی تشکیلات مرتبط با سیاستگذاری، هدایت، نظارت و حمایت از کشاورزی امور مرتبط با ترویج و آموزش کشاورزی است و هرچه بخش ترویج و آموزش و انتقال نوآوری ها و یافته های جدید به کشاورزان استمرار و تداوم بیشتری داشته باشد به همان میزان بهره وری

در این بخش افزایش چشمگیری خواهد داشت و هر چه این ارتباط ضعیف تر باشد بخش کشاورزی به سوی رکود پیش خواهد رفت.

۱۴- فقدان استراتژی ملی در بخش کشاورزی :

استراتژی یا همان راهبرد در هر فعالیتی به منزله نقشه راه حرکت به سوی اهداف به شمار می رود و تعیین استراتژی در سطح ملی و به تبع آن در سطوح منطقه ای ، استانی و شهرستانی می تواند روشن کننده اهداف کلان ، اجرایی و عملیاتی در هر سطح باشد که در نهایت ، هم در روش ها و هم در اجرا و هم در ارزیابی و نظارت قابل رصد بوده و با بر طرف کردن نقص ها و تقویت نقاط قوت می توان توسعه در بخش کشاورزی را شاهد بود و در صورت فقدان استراتژی ملی در بخش کشاورزی به دلیل تنوع و تعدد فعالیت ها در بخش کشاورزی عملاً این بخش در رسیدن به اهداف زمین گیر خواهد شد.

۱۵- ریسک بالای فعالیت ها در بخش کشاورزی :

کار و فعالیت در بخش کشاورزی به دلیل آنکه کشاورز و فعالیت هایش در تماس مستقیم با حوادث غیرمترقبه از جمله سیل ، خشکسالی ، کم آبی ، بی آبی ، سرما و گرما و دهها اتفاق غیرقابل پیش بینی دیگر قرار دارد بنابراین ریسک و خطر پذیری فعالیت ها در این بخش نسبت به دیگر بخش ها بسیار بالاست و به همین دلیل سرمایه گذاری های کلان در این بخش بسیار محدود و افرادی که در این بخش فعالیت دارند همواره در بیم و امید قرار دارند که برای تداوم و استمرار فعالیت ها در این بخش باید به فکر چاره کار اساسی بود که مهمترین راهکار در این زمینه استقرار سیستم بیمه فراگیر و جامع در بخش کشاورزی و حمایت همه جانبه از سرمایه گذاران در این بخش است.

۱۶- مقاومت کشاورزان در مقابل پذیرش نوآوری ها :

یکی از راههای اصلی در افزایش تولید و ارتقاء درآمد پذیرش و اجرای روش های نوین یا همان نوآوری ها در مراحل مختلف تولید در بخش کشاورزی است که از این امر فقط کشاورزان با درآمد و تولید بالا

و دارای واحدهای تولید بزرگ استقبال می کنند ، در صورتیکه برای توسعه در بخش کشاورزی این پذیرش و اجرا باید دامنه وسیعی از کشاورزان بخصوص کشاورزان خرده پا و تمامی کشاورزان تولیدکننده در هر سطحی را در بر بگیرد تا توسعه در این بخش قابل لمس باشد.

۱۷- فقدان شبکه جامع آموزش برای کشاورزان :

با پیشرفت علم بخصوص در عرصه ارتباطات و انتقال اطلاعات امروزه یکی از روش های اصلی و اساسی آموزشی در زمینه های مختلف ازجمله کشاورزی از طریق سایت ها ، فضای مجازی و رسانه های ارتباط جمعی به طور عام و خاص است که برای همه گیر شدن این موضوع در گام نخست باید یک شبکه جامع آموزشی هم در قالب رسانه های تصویری « شبکه تلویزیونی » و هم در قالب سیستم جامع آموزش مجازی در حوزه کشاورزی و زیر بخش های مرتبط تعریف و اجرا شود تا همه افراد با هر سلیقه ، گرایش و دانش از این برنامه ها در حد وسیع و با ارتباط دو طرفه بهره مند گردند.

۱۸- عدم توسعه بیمه جامع برای بخش کشاورزی :

مهمترین عاملی که در حال حاضر می تواند در مواقع حوادث غیر مترقبه ، غیر قابل پیش بینی به نجات کشاورزان بیاید همان بیمه است و کشاورزانی که محصول خود و یا واحد تولیدی خود را بیمه کرده اند تنها کسانی هستند که کمترین آسیب را در این مواقع متحمل می شوند به شرط آنکه یک سیستم بیمه جامع برای بخش کشاورزی وجود داشته باشد و در زمان بروز حوادث و خسارات واقعاً به تعهدات خود پای بند باشد و بدان عمل نماید نه آنکه با هزاران دلیل از زیر بار تعهدات خود شانه خالی نماید و با تفسیرهای دو پهلو غرامت خسارت وارده به کشاورزان را پرداخت ننماید و یا آنکه درصد ناچیزی از آن را پرداخت نماید که باعث سرخوردگی کشاورزان و تولیدکنندگان خواهد شد.

۱۹- عدم ارتباط بین دانشگاه ها و مزارع :

بر کسی پوشیده نیست دانشگاهها ، آموزشکده ها و مراکز آموزش عالی و موسسات تحقیقاتی و علمی به عنوان مراکز و هسته های تولید علم محسوب می شوند که محل زایش ، تولید و انتشار انواع فن آوری ها ، نوآوری ها و یافته های نوین محسوب می شوند و در بخش کشاورزی هم آنچه بیش از پیش قادر خواهد بود تا زمینه ساز افزایش تولید در مزارع و واحدهای تولید در زیر بخش های مرتبط با بخش کشاورزی گردد همان نوآوری هایی است که از دانشگاه ها و مراکز علمی باید به مزارع راه یابد در غیر این صورت کشاورزی ما همان راه یکصد سال پیش را خواهد رفت و دانشگاه ها هم فقط به حجم بالای خروجی خود با فارغ التحصیلان لیسانس ، فوق لیسانس و دکتر خواهند بالید بدون آنکه نتایج علوم و دانش تولیدی در این مراکز راهی به مزارع بیابد و پاسخگوی نیازهای فزاینده غذایی در سطح جامعه گردد.

۲۰- واردات گسترده در مقابل صادرات محدود محصولات کشاورزی :

یکی از عوامل اساسی که همواره به عنوان چالش جدی در زمینه توسعه بخش کشاورزی محسوب می شود آن است که به دلیل قیمت نسبتاً پایین محصولات کشاورزی در بازارهای جهانی ، دولتها متأسفانه در دام واردات محصولات کشاورزی گرفتار می آیند در صورتیکه کشورهای صادر کننده در قبال تشویق صادر کنندگان خود حتی با پرداخت یارانه های کلان آنها را وادار به صادرات می نمایند تا بازارهای هدف صادراتی را مال خود نمایند ولی از آن طرف کشورهای وارد کننده با واردات گسترده علاوه بر تخریب بسترهای تولید دائمی محصولات کشاورزی در کشور خود این میدان را به صادر کنندگان بیگانه می دهند تا کشاورزان پرتلاش و مولد کشور را از میدان بدر کنند که نتیجه ای جز وابستگی دائمی به محصولات کشاورزی خارجی نخواهد داشت.

۲۱- فقدان سیستم منسجم بازاریابی و بازار رسانی در زمینه محصولات کشاورزی :

یکی دیگر از معضلات بخش کشاورزی در حال حاضر فقدان سیستم منسجم بازاریابی و بازار رسانی محصولات کشاورزی است بطوریکه کشاورز بعد از تولید انبوه در یک فصل زراعی یا باغی تازه مشکلات وی آغاز می شود و این امر از آنجا نشأت می گیرد که سیستم بازاریابی و بازار رسانی محصولات کشاورزی در سطح کشور بسیار ضعیف است. برای مثال یک کشاورز باغدار مرکبات در طول یک فصل کشاورزی با انواع و اقسام مشکلات و صرف هزینه های هنگفت موفق می شود تولیدی معقول را آماده عرضه به بازار نماید اما در همان زمان به دلیل عرضه یکباره محصول مرکبات و فقدان سیستم جامع توزیع در سطح کشور قیمت محصول تولیدی به یکباره افت کرده و در این آشفته بازار بوجود آمده ، دلالت و واسطه ها شروع به خرید محصول باغداران به بهای نازل و انبار کردن و یا عرضه آن در استانهای دیگر با قیمت های چندین برابر می نمایند و این دور باطلی است که هر سال علاوه بر محصول مرکبات ، برای سایر محصولات زراعی و باغی نیز در نقاط مختلف کشور تکرار می شود بدون آنکه راه حل پایداری برای آن اندیشیده شود و در این راه فقط به راه حل های موقت اکتفا می شود که به هیچ وجه نمی تواند چاره کار باشد.

۲۲- عدم انگیزه و رغبت لازم در دستگاه های خدمت رسان و حامی در بخش کشاورزی :

به دلیل فصلی بودن فعالیت های مرتبط با بخش کشاورزی فعالیت های بخش های اجرایی خدمت رسان مرتبط با این بخش هم آن شور و حرارت لازم را در طول سال برخوردار نمی باشند و کارمندان و کارکنان هم در این مجموعه ها فقط چشم به پایان ماه دارند تا از حقوق و مزایای دریافتی امرار معاش نمایند که این امر در طول سالیان متمادی به یک عادت درآمده است و فقط کشاورزانی از خدمات و حمایت های دستگاه های اجرایی مرتبط با بخش کشاورزی بهره مند می شوند که از نظر اقتصادی در وضعیت بسیار خوبی قرار دارند و یا آنکه ارتباط بهتری با این دستگاه های اجرای دارند.

۲۳- فقدان الگوی جامع کشت :

متأسفانه بعد از گذشت سالها کشاورز تولید کننده سرگردان آن است که چه محصولی بکارد تا سودآوری مناسبی برای او داشته باشد در یک سال قیمت انواع مرکبات به شدت بالا می رود و قیمت سایر محصولات باغی به شدت پایین می آید. در یک سال قیمت پیاز بالا می رود و از طرفی قیمت نخود پایین می آید و این امر متأسفانه در مناطق مختلف کشور سالهاست که تکرار می شود و تمامی این موارد نتیجه فقدان تدبیر لازم را در اجرای الگوی جامع کشت براساس شرایط و ویژگی های هر منطقه است.

۲۴- سرمایه گذاری ناچیز در بخش کشاورزی :

یکی از دلایل اصلی و اساسی در عقب ماندگی بخش کشاورزی فقدان سرمایه گذاری کافی در این بخش است بطوریکه این امر موجب شده تا میزان تولیدات این بخش چه به لحاظ کمی و چه به لحاظ کیفی افزایش قابل توجهی نداشته باشد. در هر فعالیتی سرمایه گذاری به عنوان موتور محرکه آن فعالیت محسوب می شود که می تواند باعث تداوم ، استمرار و پویایی آن شود که این امر متأسفانه در بخش کشاورزی چشم گیر نمی باشد که نتیجه آن سنتی ماندن بسترهای تولید و ادامه آن هم سبب سست شدن بسترهای تولید و کاهش قابل توجه در تولیدات این بخش خواهد شد.

۲۵- عدم توجه جدی به روستا به عنوان بسترهای تولید :

روستاها همانند شهرها از جمله سکونتگاههای اصلی جمعیت در کشور محسوب می شوند و چه بسا اهمیت روستاها به دلیل سکونت خانوارهایی که تولید مهمترین نیاز انسانها یعنی غذا را بر عهده دارند، بسیار بیشتر از شهرها می باشد و هر چه روستاها آبادتر ، توسعه یافته ، پیشرفته تر و بدون مشکل باشد به همان نسبت تولید روستائیان هم از رونق خاصی برخوردار خواهد بود. در جهان امروز توسعه روستایی تا بدان حد مورد توجه قرار گرفته که برخی از کارشناسان و محققان آن را مقدم بر توسعه کشاورزی می دانند و مقوله توسعه روستایی هم فقط در آسفالت روستایی و برق و مخابرات خلاصه نمی شود بلکه

آنچه در این میان بیش از پیش اهمیت می یابد بر طرف کردن نیازهای روستاییان در راه تولید و حل مشکلات آنها در مسیر زندگی شرافتمندانه است.

۲۶- کاهش تمایل کشاورزان به محصولات استراتژیک :

آنچه در نگاه نخست در تولید محصولات کشاورزی در کشور اهمیت دارد نیل به خودکفایی و یا خوداتکایی در تولید محصولات غذایی استراتژیک مثل گندم، برنج، جو، ذرت، دانه های روغنی است که در این رابطه اگر از تولید حمایت نگردد تولید کننده به دلیل قیمت پایین این محصولات و هم چنین زحمت بالای تولید این محصولات تمایل خود را برای ادامه تولید این محصولات از دست خواهد داد و به سمت تولیدات محصولات کشاورزی با اولویت دوم و سوم روی خواهد آورد که در این رابطه نهاده های اساسی همچون آب و خاک صرف تولید محصولاتی خواهد شد که در سبد غذایی خانوارها هیچ گونه جایگاهی ندارند و فقط برای سود بیشتر این محصولات کشت می شوند.

۲۷- ضایعات بالا در مراحل تولید و بعد از تولید محصولات کشاورزی:

بر کسی پوشیده نیست که تمامی محصولات کشاورزی با سخته های فراوان و با صرف هزینه های سنگین تولید می شوند اما اوضاع زمانی دشوار و بغرنج می گردد که همین محصولات تولید شده با رنج های فراوان بنا به دلائل پیدا و ناپیدا مختلف از بین بروند و به دست مصرف کننده نرسند. در یک سال به دلیل قیمت پایین محصولات باغی بر روی درختان از بین می روند در یک سال به دلیل فقدان سیستم جامع بازاریابی و یا فقدان صنایع تبدیلی و تکمیلی محصولات تولیدی در انبارها می پوسند، که در تمامی این موارد باید اذعان کرد وجود ضایعات در محصولات تولیدی به هیچ عنوان پذیرفته نیست و از آنجائیکه اکثر قریب به اتفاق محصولات تولیدی در بخش کشاورزی به صورت تر و با فساد پذیری بالا به بازارهای مصرف عرضه می شوند بنابراین باید بلافاصله با یک سیستم جامع عرضه در سراسر کشور توزیع و یا نگهداری و صادر شوند و یا آنکه صنایع تبدیلی و تکمیلی مرتبط قادر به جذب آنها باشند.

۲۸- بهره وری پایین در تولید محصولات کشاورزی :

یکی از عناصری که همیشه در تولید مورد غفلت قرار می گیرد بهره وری است و این امر در تولید محصولات بخش کشاورزی کاملاً مشهود است و همین امر هم هزینه های تولید را به چندین برابر رقم معمول آن افزایش داده است. متأسفانه برای بسیاری رشد کمی تولیدات محصولات کشاورزی اهمیت دارد غافل از آنکه در پشت پرده این تولید انبوه ، استفاده خارج از حد و انداه منابع نهفته است که در این زمینه از مقدار بسیار زیاد استفاده از آب گرفته تا مصرف بیش از اندازه سم و کود و سایر نهاده ها که تقریباً افزایش تولید را بی معنی می سازد. افزایش تولید در بخش کشاورزی و سایر بخش ها زمانی دارای معنی و مفهوم خواهد بود که همراه با بهره وری می باشد بطوریکه با حداقل منابع بتوان بیشترین منافع در تولید را رقم زد.

۲۹- پایین بودن میانگین تولید در واحد سطح :

یکی از موانع اساسی دیگر بر سر راه توسعه کشاورزی پایین بودن میانگین میزان تولید در واحد سطح می باشد بطور مثال میانگین تولید برنج در هر هکتار بین ۴ تا ۵ تن در هکتار می باشد و از طرفی کشاورزان برنج کار نمونه در هکتار بیش از ۱۲ تن هم برداشت می نمایند. برای پایین بودن میانگین تولید دلایل مختلفی وجود دارد از معیشتی و سنتی بودن تولید گرفته تا عدم بکارگیری دانش های نوین و فقدان سرمایه کافی برای توسعه تولید از آن جمله اند. اما اگر فاصله حدود ۳۰۰ درصدی بین میانگین تولید تا حداکثر تولید فقط به میزان ۶۰ تا ۵۰ پوشش داده شود به جرات می توان گفت کشور در تولید تمامی محصولات استراتژیک به خود کفایی کامل دست خواهد یافت.

۳۰- فقدان عزم ملی در توجه به بخش کشاورزی و حمایت جامع از کشاورزان :

در کنار تمامی چالش ها و آسیب های برشمرده شده یکی از مهم ترین موانع بر سر راه توسعه بخش کشاورزی فقدان عزم ملی در توجه به بخش کشاورزی و حمایت جامع از کشاورزان است و تا زمانی که

به کشاورزان و کشاورز به عنوان اهداف استراتژیک در برنامه های کلان توسعه کشور نگریسته نشود باید همچنان شاهد مشکلات این بخش بود و امید چندانی برای حل این مشکل نخواهد بود.

نتیجه گیری و پیشنهاد :

به ۳۰ چالش و آسیب باز دارنده توسعه بخش کشاورزی اشاره شد که رهایی از آنها هم در درون این چالش ها وجود دارد که باید توسط دستگاههای اجرایی دولتی ، عمومی ، غیر دولتی و تشکل ها و نهاد های مردمی و حتی کشاورزان و روستائیان این امر صورت گیرد.

با توجه به چالش ها و آسیب های بازدارنده اشاره شده بر سر راه توسعه بخش کشاورزی آنچه در این بین وظیفه و مسئولیت تمامی دستگاه های اجرایی مرتبط با بخش کشاورزی دو چندان می نماید آنست که برای توسعه بخش کشاورزی و بالندگی و سرآمدی و موفقیت به معنای واقعی کلمه آن و رفع تمامی این آسیب ها و چالش باید دارای برنامه بود و با تدبیر و در نظر گرفتن تمامی جوانب اقدام نمود. برکسی پوشیده نیست که در حال حاضر مهم ترین نیاز جامعه ، نیازهای غذایی می باشد و مهمترین اولویت اقتصاد مقاومتی هم در گام نخست تأمین امنیت غذایی جامعه می باشد و تحقق آن هم فقط و فقط با توسعه بخش کشاورزی میسر خواهد بود. همانگونه که اشاره شد بخشی از چالش ها و آسیب های بازدارنده در بخش کشاورزی ساختاری و میراث سالهای دور می باشند و رفع این مشکلات نیاز به برنامه های بلند مدت و جامع دارد اما بخش قابل توجهی از آسیب ها و چالش های پیش روی توسعه بخش کشاورزی را می توان با برنامه ریزی های جامع و اختصاص اعتبارات لازم و عزم ملی و مدیریت جهادی در کوتاه مدت بر طرف کرد که خوشبختانه با توجه به تحقق تجربه های موفق در این زمینه در کشور در سالهای نه چندان دور امیدواریم باز هم شاهد توسعه همه جانبه بخش کشاورزی و بهره گیری از تمامی توانمندی و ظرفیت های این بخش در کشور باشیم.